



ضدیت رژیم با آزادی زن و ضرورت پیوستن زنان به حزب سوسیالیست انقلابی

صفحه ۲

از تحصن فرهنگیان حمایت میکنیم

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برای ۱۲ تا ۱۴ اسفند سال ۱۳۹۷، اعلام تحصن کرده اند. گرانی، تورم، فقر و بی رونق تر کردن سفره فرهنگیان و دیگر اقشار کم در آمد جامعه نیز واقعیت انکارناپذیری است که بر بستر یورش گسترده و طولانی مدت دولت و سرمایه داران علیه زندگی دهها میلیون خانواده کارگری و طبقه کارگر ایران ممکن گردیده است. نه تنها موقعیت معلمان که منافع و موقعیت دیگر اقشار فرودست و ضعیف خرده بورژوا نیز از جانب جمهوری اسلامی و سرمایه داران حاکم به خطر افتاده است.

معلمان و جامعه فرهنگی با مشکلات زیادی مواجه شده اند. با نبود آزادی عمل و انتقاد و ایجاد تشکلهای مستقل خود، با کاهش هزینه آموزش پرورش، کاهش قدرت خرید وسایل اولیه مورد نیاز دانش آموزان از سوی والدین، ناتوانی در پرداخت هزینه های سرسام آور تحصیل برای اکثریت شهروندان، غارت کردن صندوق ذخیره فرهنگیان، وجود بیسوادی و کم سوادی میلیونها انسان محروم از امکانات اقتصادی، محتوای قرون وسطی آموزش، کنترل و امنیتی کردن محیط تحصیل، جدا سازیهای جنسیتی و... که همواره با زبان تهدید و سرکوب از جانب این نظام ضد آموزش سکولار و متمدن و از راه به زندانی انداختن معلمان و بیکار سازی و اخراج معلمان و دانشجویان معترض و تهدید آنها نیز مواجه بوده هستیم، و این واقعیت ها مبنای برای ضرورت شروع مبارزه جدی و صفحه ۲

نه به ارتجاع اسلامی و عرفی،
نه به خشونت علیه زنان!

صفحه ۳

به پیش برای آزادی زن و آزادی جامعه

صفحه ۸

مسئله زن، توهم برابری، تنگنای شکست

صفحه ۳

گزارش و اخبار کارگری
در هفته ی که گذشت

صفحه ۹

در باره "نافرمانی مدنی"

صفحه ۴

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!
زنده باد سوسیالیسم!

صفحه ۱۰

حداقل دستمزد کمتر از "خط
فقر ۶ میلیون تومان"
جنایت است!

صفحه ۵

زنده باد روز جهانی زن!
زنده باد ۸ مارس ضد
سرمایه داری!

صفحه ۷

از تحسن فرهنگیان...

سراسری تر و فراخوان به تحسن را فراهم آورده است.



در اوضاع سیاسی امروز ایران ضروری است این شرایط در مراکز آموزشی کشور بیش از این تحمل نگردد. لازم است پرچم آزادیخواهانه، پیشرو، و سوسیالیستی معلمان و دانشجویان و دانش آموزان در سراسر مراکز آموزشی به اهتزاز در بیاید!

بدنبال گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه شرایط فلاکت بار اقتصادی حاکم و همزمان علیه تداوم سرکوب جمهوری اسلامی، اکنون سنت اعتراضی اعتصاب و تحسن بخشهای دیگری از جامعه را نیز فرا گرفته است. تداوم اعتصاب موفقیت آمیز رانندگان، اعتصاب بازاریان، و فراخوان به تحسن سراسری معلمان، اعطبات دور اخیر در فولاد و هفت تبه با وجود جایگاه و تفاوتی که در هر کدام از آنها وجود دارد، اما در ادامه منطقی و درست مبارزه توده ای و موثرتر علیه جمهوری اسلامی و علیه تحمیل فلاکت اقتصادی و سرکوب رژیم در این مرحله از مبارزه به پیش میرود.

در این نبرد نیز، در صورت تامین یک سیاست رادیکال کارگری-سوسیالیستی، و کوتاه کردن دست فرصت طلبان و طبقات دارا و جریانات بورژوازی ملی و اسلامی مرتجع در داخل و خارج کشور، میتوان به پیشروی هر چه بیشتر و در نهایت به پیروزی صف کارگران و آزادیخواهان بر جمهوری اسلامی و نظام فاسد حاکم سرمایه داری امیدوارتر بود.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران از مطالبات فرهنگیان کشور واز تحسن آنها حمایت میکند. حزب از کلیه فرهنگیان کشور میخواهد به آن بپیوندند. حزب معلمان، دانشجویان و دانش آموزان مترقی و سوسیالیست را به ایفای نقش پیشرو، رهبری کننده، انقلابی و تلاش متحدانه برای تحمیل مطالبات برحق و آزادیخواهانه خود فرامیخواند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۰ اسفند ۱۳۹۷

۱ مارس ۲۰۱۹

ضدیت رژیم با آزادی زن و ضرورت پیوستن زنان به حزب سوسیالیست انقلابی

آذر کیمیا

زیر پا گذاشتن حقوق زنان جزئی از هویت و موجودیت رژیم جمهوری اسلامی است و علت آن ریشه در دید قرون وسطایی رژیم نسبت به زنان میباشد. از روزی که رژیم جمهوری اسلامی به حاکمیت رسید بلا فاصله سرکوب زنان را چه در وضع قوانین زن ستیز و چه در سطوح مختلف جامعه آغاز کرد. قوانینی که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می شوند باعث گسترش و تشویق تبعیض و خشونت علیه زنان شده و میشوند. این قوانین پر از مواد تبعیض آمیز علیه زنان در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی است.

از این جهت مبارزه با کلیت آن نظام قدم اول رهائی زنان از بی حقوقی خود است، و برای این رهائی و مبارزه هم باید راه و سیاست درست را انتخاب نمود، هر کسی گفت طرفدار زنان است به معنی طرفداری واقعی ایشان نیست، یک سلطنت طلب، یک جریان طرفدار نظام سرمایه داری، یک نیروی که اول ملت و قومش منشا هویتش است نمیتواند برای آزادی و برابری زنان کاری انجام دهد. بر عکس در شکل دیگری زنان را به کنج خانه و فرزند داری و زیر دست بودن محکوم مینمایند، تاریخ این واقعیت را ثابت کرده است. حزب سوسیالیست انقلابی ایران پرچم و راه متفاوت و متضاد با آنها دنبال می نماید و برای آزادی واقعی زنان مبارزه میکند، که پایان دادن به نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام سوسیالیستی که بر برابری کامل همه شهروندان استوار است، راه پایان دادن به ستم بر زن را جلو ما گذاشته است، و لازم است زنان و دختران آزاده به این نیرو بپیوندند تا قدرت مبارزاتی برای کسب آزادی و برابری را بیش از پیش به چنگ بیاورند.

زن تا زمانی که یک نظام سوسیالیستی مستقر نکند، زن تا رهایی اقتصادی نیابد نمی تواند به نابرابری جنسیتی پایان دهد. تاریخ چهل ساله ی این رژیم گواه بر بی حقوقی زنان است. زنان همواره از حق پرسش حق انتخاب همسر حق داشتن غذای مکفی حق سلامتی جسمی و روانی حق شاد بودن وووووو محروم اند. حق ما زنان، جامعه ای است که در آن هیچ کسی گرسنه نمی ماند هیچ کسی برای زنده ماندن اعضا بدنش را نمی فروشد هیچ زنی به خاطر فقر تنش را نمی فروشد هیچ خانواده ای برای زنده ماندن دخترش را نمی فروشد هیچ زنی به خاطر عشق ورزی سنگسار نمی شود هیچ مذهب و دولت و فردی بدن زن را کنترل نمی کند. جامعه ی که همه ی زنان حق مشارکت در تعیین سرنوشت خود دارند. در نتیجه اولین گام برای ساختن چنین جامعه ای پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی ایران می باشد برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

۸ مارس ، روز جهانی زن در راه است، روز جهانی زن بر تمامی زنان زحمتکش ایران و جهان مبارک باد. روز جهانی زن نه تنها روز زنان آزاد اندیش و اسیر دست نظام سرمایه داری و خرافات دینی و ملی گرایانه و مرد سالاری که روزی است برای تمامی کارگران مدافع برابری زن و مرد . روزی است برای همه کسانی که برای سوسیالیسم و آزادی و پایان دادن به نظام طبقاتی و مرد سالاری مبارزه می کنند.

زند باد اتحاد آزادیخواه و زنان با پرچم سوسیالیسم برای رهائی قطعی از تداوم نابرابری و ستم شرم آور به زنان در جهان، خصوصاً در ایران و خاورمیانه تحت حاکمیت اسلامی و قوم پرستان ضد زن. **زنده باد ۸ مارس روز جهانی زنان!**

<p>نه شاه نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!</p>	<p>ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!</p> <p>بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!</p> <p>سلام زنجی S_zijji@yahoo.se</p>	<p>کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!</p> <p>برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!</p> <p>این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com</p>
--	--	---

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



مسئله، زن، توهم برابری، تنگنای شکست

تینا خلیفه ای

وقتی راجع به برابری بین زن و مرد حرف میزنیم در وهله اول زن خد را از نظر (سایکولوژی، فیزیکی، استعداد و هوش) کاملاً با مرد برابر میدانند و مرد آن را رد میکند و مدعی قوای جسمی و گاهاً ذهنی بیشتری است در این مقاله هم از نظر علمی و هم از نظر حقوقی به آن میپردازیم.

از نظر علمی زنان و مردان تفاوت های بیولوژیکی زیادی باهم دارند (بدن، روان، هوش و استعداد) انسان در طول تاریخ از ناحیه زیاده روی و کم انگاری آسیب های بسیار دیده و این دو گرایش انسان را از راه تعادل باز داشته است؛ حتی مسئله شایسته است زن و نگاه به نگرش های او نیز در همین راستا قرار گرفته و یک سو نگرایی در باره ی زن در شرق و غرب ادامه داشته است. یک دیدگاه به تحقیر و کم گمردن می پردازد و حقوق انسانی، جایگاه اجتماعی مطلوب را بد رای او حق نمیدانند و شناخت ناقصی از ویژگیهای بدنی و روانی او را نه میدهد و دیدگاه دیگر افراطی تمایزات طبیعی دو جنس را نادیده میگیرد و زن را بهفضای مردان میکشد و رفتار مردان را بهشت آرمانی میدیند فاصله نشان میدهد و تفاوت های طبیعی را انکار یا به عواملی چون فرهنگ، محیط، تربیت و شرایط اجتماعی ربط میدهد و مسائل زیست ی را نادیده میگیرد. البته این عوامل مؤثر است، اما بر سر افکار انسان ها، افکار انسان از عوامل زیستی او جدا و حاصل محیط و خمیری فابل شکل و پرورش است. تفاوت ها یزیستی بین زن و مرد را میتوانی به سه بخش تقسیم کنیم: ۱- فیزیولوژی و ساختمان بدن ۲- ساختار روانی ۳- هوش و استعداد.

۱- فیزیولوژی و ساختمان بدن: از فاحش ترین تفاوت های زن و مرد، تفاوت هورمونی است که در مرد تستوسترون و در زن استروژن و پر و استروژن؛ هورمون تستوسترون عامل مهم تولید کننده ی پروتئین در بدن مردان است و یکی از اصلی ترین دلایل رشد عضلانی بیشتر مردان بشمار می آید همچنین تستوسترون باعث رسوب کلسیم به استخوان ها و استحکام آنها میشود، مردان لگن قوی تر و تیفی شکل دارند که برای حمل اجسام سنگین صراحی شده به علت متابولیسم بالایی که دارند دارای توده چربی کمتری هستند در نتیجه توان ورزشی بیشتر نسبت به زنان دارند هورمون تستوسترون باعث پر خاشگری حالت تهاجمی و رقابتی میشود گلبول های قرمز و متابولیسم پایه که اشتها ی مردان را برابر زنان افزایش میدهد. هورمون استروژن باعث جلوگیری ساختار عضلانی و استخوانی زنان میشود و باعث رسوب چربی بیشتر در بدن زنان است و سیستم ایمنی بالاتری نسبت به مردان دارند و از تحمل درد بیشتری برخوردارند حساسیت بویی در زنان بیشتر است و استروژن باعث نرمی و صافی و کم مویی در بدن زنان است. مردان دارای جلد پوستی ضخیم تر هستند، ججمه ی بزرگتری دارند در نتیجه مغز بزرگتری دارند، زنان استخوان فک قوی تری دارند قدرت کلامی آن ها بالاتر است در فعالیت هایی مانند دو و مارا تن های رقابتی موفق تر عمل میکنند و در ورزش هایی مانند بدنسازی و فیتنس باید راه طولانی تری از مردان طی کنند، طول عمر زنان بیشتر است.

نه به ارتجاع اسلامی و عرفی، نه به خشونت علیه زنان!

جلال ش

سالانه میلیون ها تن زن و مرد در اقصای نقاط جهان در روز هشتم مارچ با ترتیب اجتماعات در همه گروها این روز را گرامی میدارند. انتخاب روز هشتم مارچ به حیث روز زن بخاطر مبارزه زنان علیه شرایط کاری سخت و غیر انسانی و بی عدالتی به شکل سازمان یافته و منظم در خاطره ها ماندگار شد. اما در اینجا و در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هم چنان برابری خواهی زن و مرد مغایر اصل چهارم قانون اساسی و دیگر شئون مذهبیه شان است. از این جهت برگزاری هرگونه مراسمی و اعتراضی به مناسبت ۸مارس، روز برابری زن و مرد، از دید حکومت اسلامی و حاکمیت مردسالارانه شان جرم تلقی شده و با سرکوب مواجه می شود.

اولین تظاهرات در ایران علیه حجاب اجباری در سالهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ایران بود. آن زمان گروههای حزب الهی کفن پوشیدن و به زنان حمله میکردند و زمانی بود که خمینی خواسته بود زنان با حجاب به محل کار بروند. این اولین خاطره ۸ مارس در ایران است که با سرکوب توام بوده است. بعد از این سرکوب اعتراض زنان علیه حجاب اجباری زنان تا امروز ادامه داشته است. اسلام گرا یان مانند خانم زهرا رهنورد در آن زمان پیشنهاد دادند که روز جهانی زن را لغو کنند و روز تولد "فاطمه زهرا" در ایران جایگزین ۸مارس، روز جهانی زن شود، تا خصلت ارتجاعی قرون وسطی و سر به زیر بودن زن را جایگزین خصلت جهانشمولی آزادی و برابری خواهی و مطالبه حقوق برابر زن و مرد و رفع تبعیض بر حسب جنسیت نمایند، و این پیشنهاد مورد قبول حاکمیت قرار گرفت و همچنان ادامه دارد. اما زنان زیادی توجه چندانی به آن نکردند.

حاکمان جمهوری اسلامی به هیچ عنوان مایل نیستند که ارزش جهان شمول برابری و آزادی برای زنان در ایران مورد قبول واقع شود چرا که در ایران ولی فقیه و سیستم نرسالاری بر کل جامعه نظارت میکند و قوانین اسلامی زنان را نصف مردان حساب میکند. در نتیجه هرگونه اشاره ای به آزادی و برابری زنان به نظر آنان یک جرم بزرگ و منطبق غیر قابل قبول است.

با نزدیک شدن به روز جهانی زن جا دارد بیش از هر زمانی زنان و انسانهای آزاده برای پایان دادن به ستم و نابرابری علیه زن وریشه کن کردن سنت های عقب مانده ضد زن به میدان بیایند. ما زنان و مردان برابری طلب همه با هم متحدانه جلو روند گسترش این خشونت ها علیه زنان را باید بگیریم، و با صدای رساتر نه به ارتجاع اسلامی و عرفی باید گفت، نه به خشونت علیه زنان باید گفت، نه به قوانین اساسی ایران گفت، و نه به حکومت مبتنی بر فقه و شریعت اسلام باید گفت!

← ادامه

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

مسئله، زن، توهم...

به طور کلی دارای سن بلوغ، توده چربی، نیازهای غذایی و ویتامینی و معدنی، متابولیسم، تمایز سلولی و مقاومت جسمی متفاوتی باهم دارند.

۲_ ساختار روانی: شکل گیری هویت هر دو اساساً متعلق به محیط زندگی است و زنان اساساً مسئولیت صمیمیت و مراقبت از دیگران را روی دوش خود حمل میکنند و پسرا ن استقلال و رقابت و فردیت را یاد میگیرند.

۳_ هوش و استعداد: زنان هوش هیجانی بالا تری دارند خلقتزند و

از توانایی کلامی بهتری برخوردارند مردان در فعالیت های اکتشافی برترند و حافظه غیر فوری قوی تری دارند همانطور که قبلاً اشاره کردم حجم مغزی مردان بزرگتر است پس قشر مخ قوی تری دارند و متمرکزتر از زنان هستند و مرکزی عمل میکنند برعکس زنان که توان شبکه ای کار کردن (انجام چندکار باهم) را دارند.

و اما از دیدگاه مطالبات حقوقی، زنان مسدودترند در مقابل مسئولیتی که میپذیرند حقوق برابر، حق کار، حق تحصیل، ازدواج، روابط جنسی، مالکیت بر بدن، سقط جنین، شرکت در سیاست، جایگاه های علمی... شرکت داشته باشند و خواسته های خود را برآورد

کنند و در تمام سطوح زندگی خواهان حق برابر زندگی، امنیت روانی و حوضه فعالیت خود باشد اما برای مطالبات خود گدایی نکنند قرار نیست به هیچ قیمتی برای به دست آوردن خواسته خودمان از کسی بخواهیم که آن را به ما بدهد ما خودمان میتوانیم آن را به راحتی به دست آوریم. هدف از این مقاله آگاه سازی از استعمار ذهنی است که غرب و شرق هر دو برای زنان ساخته اند و حقوق زنان را در برابری جسمی و بهشت رویایی که همان دنیای مردانه است خلاصه میکنند از مطالبات واقعی خود دور نشویم و کورکورانه دنبال زور بازو بیشتر نباشیم.. آن چه ما میخواهیم حق زندگی برابر است نه اثبات برابری با مردان هر کدام از جنسها یکطرف معادله را حل کرده اند و ویژگی های مختص به خودشان را دارند ما اگر تفاوتها را نپذیریم نمیتوانیم به حقوق خودمان دست پیدا کنیم چون با این کار به هم دنیا نشان میدهم کهبله تفاوتها خجالت آور، زشت، غیر قابل پذیرش و... هستند و ما آن را قبول نداریم که در اصل نفی وجود ماهیت خودمان است با پذیرش تفاوتها به همه قاعدهها و بندها نه بگوئیم!

در باره "نافرمانی مدنی"

زاگرس ابراهیمی



ابتدا تاکید کنیم که از نظر ما پدیده ای به اسم "نافرمانی مدنی"، در مفهوم و شکلی که برخی از جریانات راست از جمله نیروهای راست و سلطنت طلبان در دستور کار خود داشتند، راهی نیست که پاسخگویی مبارزه کارگران و زنان و آزادیخواهان در ایران علیه حاکمیت اسلامی باشد، برعکس به روند مبارزه متحد و انقلابی آنها برای از بین بردن کلیت آن سیستم آسیب هم رسانده و میرساند. با نظامی که بقای چهل ساله اش بر خشونت استوار بوده، ادعای پرهیز از "خشونت" علیه آن و توصل صرف به "مبارزه مدنی" نه انقلابی است و نه میتواند به کسب یک آینده مبتنی بر آزادی و برابری و سرنگونی چنین نظامی منتهی گردد.

اما در قالب دیگر و عمومی تر "مبارزه مدنی"، چنانچه تحت هژمونی مبارزه کارگری و انقلابی قرار بگیرد میتواند نتیجه و روند متفاوت تری طی نماید. در اینجا ما به همان چهار چوب و قالب که خود نهادهای بورژوازی اشاره دارند به این پدیده برخورد

میکنیم. که به شیوه ای از اعتراض به سیاست های حکومت گفته میشود که گویا از خشونت دوری میکند و سعی دارد با زیر پا گذاشتن قوانین و مشروعیت حاکمیت، قابلیت اجرایی حکومت را تضعیف و از بین ببرد. در مبارزه مدنی برعکس مبارزه توده ای انقلابی احتیاجی به نیروی ملیتانت و انقلابی و یا فرد مسلح و آموزش نظامی و... لازم نیست. اما همچنانکه ابتدا اشاره کردیم چنین روندی در کشوری مانند ایران تحت حاکمیت اسلامی بیشتر به روئیا نزدیکتر است تا واقعیت.

نافرمانی مدنی بگ مبارزه ی "قانونی" در منشور سازمان ملل است و چهار اصل دارد که هسته ی اصلی تشکیلات دهندند ی نافرمانی مدنی وسند اثبات قانونی بودن آن است

۱. معیار دموکراسی: این اعمال فقط در کشورهای دموکراتیک میتواند اتفاق بیفتد.

۲. معیار قانون: اینگونه فعالیتها باعث تخطی از قانون میشود.

۳. معیار تجدید نظر: اینگونه کارها در نتیجه یک تفکر است برای دوری و جلوگیری از بیعدالتی.

۴. معیار عدم خشونت: در این فعالیتها از انجام اعمال خشونت آمیز اجتناب میشود.

فعالیتهای نافرمانی مدنی حقایق نهادی اند و این چهار معیار که هسته اصلی تعریف نافرمانی مدنی را تشکیل میدهد، با یکدیگر یک واحد قانونی را به وجود میآورند و در نتیجه ی این واحد قانونی است که فعالیتهایی نظیر اعتصاب غذا به عنوان نافرمانی مدنی دیده میشوند.

نافرمانی مدنی اساساً به دو اصل نیاز دارد، مردم و رهبری که سازمان دهنده ی مردم معترض به یک سمت مشخص و برنامه ریزی شده باشد. وقتی شرایط غیر قابل تحمل باشد مردم یک بمب متحرک هستند که دنبال خواسته های خود میگردند و این روش ها میتواند اعتراضات را به نتیجه مطلوب برساند

۱_ سازماندهی مردم: که لازمه ی جایگاه اجتماعی بالا در جامعه و قدرت جنبشی بالا و برنامه ریزی درست است

۲_ رهبری اتحادیه ها صنف ها، نهادهای مردمی و گروه های حقوق بشری را با خود همراه کرد هدف اصلی نافرمانی مدنی جلب توجه اکثریت مردم و فراخوان برای پیوستن اکثریت جامعه به اعتراضات است.

زمانی که سازماندهی مردم به شکل درستی صورت گرفت آن وقت زمان سازماندهی اعتراضات است! برای مقابله با سرکوب و جلوگیری از توقف اعتراضات باید هر چه زودتر اعتراضات را گسترش داد طور ی که سریع همه کشور را فراگیرد که این خود عوامل مؤثری را مانند زمان و مکان مناسب (مثلاً وقتی مردم از لحاظ اقتصادی در وضعیت خوبی قرار دارند زمان مناسبی نیست)

داشتن، رهبری برای هدایت تظاهرات و یک پارچه بودن مطالبات (بخشی از رهبری تظاهرات باید پراکنده و غیر قابل شناسایی باشد) "خشونت" در صورت نیاز

(ممکن است نافرمانی عاری از خشونت (عمل انقلابی و ملیتانت) برای هر رژیمی، از جمله حکومت اسلامی جوابگو نباشد) و تعیین راه حل برای سرکوب های احتمالی رژیم و مقابله با آن را در برمیگیرد.

یک عامل مهم که تأثیر زیادی روی مبارزات "مدنی" دارد انتخاب نوع آن است، مثلاً وقتی که مردم ماه ها ی زیادی است حقوق کاری خود را دریافت نکرده اند و حتی در تهیه مواد خوراکی خود در تنگنا قرار گرفته اند انتخاب اعتصاب طولانی مدت و منع کردن مردم از کار به شکست خواهد انجامید مگر اینکه کاری کنیم که سریع و برق آسا اعتصابات کل جامعه را فرا گیرد.

با این نگاه اجمالی به موضوع "نافرمانی مدنی"، باید مجدداً یاد آور شد برای مبارزه ما، که به جای مبارزه مدنی از عنوان درست و واقعی تر "مبارزه توده ای علیه حاکمیت" از نام میبریم، در این باره این نکات مهم و قابل توجه اند: داشتن برنامه و نقشه، برخورداری از رهبری سراسری و محلی قابل اتکا و انقلابی، عدم توهم به حاکمیت و جناحهای رژیم و دیگر دولتها، توصل به مبارزه جمعی انقلابی از جمله مبارزات کارگری، زنان و جوانان در بعد سراسری، و اینکه باید هدف نهایی خود را سرنگونی کلیت سیستم و رسیدن به سوسیالیسم در نظر گرفت بنابر این روند است که میتواند در نهایت به نفع اکثریت شهروندان و تحقق یک آینده بهتر در ایران منجر گردد.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۹۸ (حداقل دستمزد کمتر از "خط فقر ۶ میلیون تومان" جنایت است!)

در شرایطی که طبقه ما با مرگ و میر بسیار گسترده ناشی از "سوانح کار"، اخراج و بیکار سازیهای وسیع، به گرو گرفتن دستمزد ۶ برابری زیر خط فقر اعلام شده توسط خود نهادهایی رژیم (خط فقر اعلام شده توسط مقامات رژیم ۶ میلیون تومان اعلام شده است) دست و پنجه نرم میکند، در شرایطی که فعالین معترض به این اوضاع وحشیانه سرکوب و پرونده "امنیتی" برایشان درست میکنند، و با توجه به رساتر شدن صدائی اعتراض به این همه اجحافات و اعمال بی حقوقی ها، چنانچه خود رهبران عملی و پیشرو کارگری از تحولات درس گرفته باشند، چنانچه جنبش سوسیالیستی ما از مون بهتری گرفته باشد، میتوانیم در این برهه بیشتر از هر دوره ای در سروسامان دادن به اتحاد جنبش مان اقدامات عملی را راه اندازی کنیم. بر بستر تحركات گسترده مربوط به فصل تعیین "حداقل دستمزد سال ۹۸" که خود رژیم و ارگانهایش مدتهاست با طرح "افزایش بیست درصدی" آنرا پیش کشیده اند، جنبش میلیونی و عظیمی برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۸، و در این بستر سازماندهی اعتراض و اعتصاب برای آزادی همه فعالین در بند، ممنوع کردن اخراج، حق بیمه بیکاری، برابری زن و مرد، حق تشکل و تحزب کارگری، آزادی فوری بازداشت شدگان و... به میدان آمد و با یختگی و آمادگی بیشتر کل مراکز کارگری را به یک هفت تپه و فولاد دیگری تبدیل کرد. نباید اجازه داد پروژه های رژیم ضد کارگری از جمله هیاهوی "۴۰ مین سالگرد حاکمیت" ضد انقلابی شان این امر مهم ده میلیون کارگر و خانواده های آنها را به حاشیه برانند و بتوانند دوباره یکطرفه و بدون مقاومت تصمیمات ضد انسانی و ضد کارگری شان را در اواخر اسفند ماه به طبقه کارگر و به جامعه تحمیل نمایند.

طبقه کارگرو زحمتکش جامعه نه تنها گردش چرخ اقتصاد و پول و تولید ثروت انبوه کالاها و کلیه تولیدات و دستاوردهای پیشرفته و نیازمندیهای روزمره جامعه را بر دوش دارد، نه تنها تامین خدمات و هزینه های کل کشور ناشی از تلاش و دسترنج شبانه روزی او است، که هزینه دشمنان و سرکوبگران خود، از جمله هزینه ماشین گسترده دولتی، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، لباس شخصی، حزب الله قمه کش، خود فروختگان خبرچین، سازمانهای اطلاعاتی و گله آخوند و مساجد و مذهب و تمام ارگانهای مفت خور ایدئولوژیکی و فرهنگی و اداری جمهوری اسلامی و نظام حاکم بورژوازی ایران را نیز تامین میکند، اما همچنانکه همه بر آن واقف هستند، این سازندگان هستی جامعه خود و خانواده شان جزو محرومترین، فقیرترین و سرکوب شده ترین بخش جامعه محسوب میگردند. خود و فرزندانشان در راس لیست قربانیان مرگ و میر، ارتش بیکاران بدون پول و امنیت، کارتون خوابها، گور خوابها، معتادین، بی خانمانها، کودکان کار و خیابانی، کولبران، "بردگان مدرن"، و متحملین غیر انسانی ترین درد و رنج و زندگی پر مشقت قرار دارند. این موقعیت هولناک، بنیاد جنایت آفرینی، تضاد، بحران، کشمکش طبقاتی، و ارونگی جامعه سرمایه داری، و چهره کریه و وقاحت جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه را نشان میدهد. اما با آگاهی بر واقعیت فوق و ضرورت تعمیق نفرت و آگاهی طبقاتی جنبشمان علیه شرایط موجود، و اعلام مستمر این واقعیت ساده که تا زمانی نظام کار مزدی برقرار است، خبری از خوشختی و رهایی واقعی کارگر و بشریت نیست، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر به منظور پایان دادن به حاکمیت نظام سرمایه داری، نه "اصلاح درونی طبقه حاکمه" و دولت، به مثابه پیگیرترین بخش جنبش طبقاتی بر تحمیل رادیکالترین و گسترده ترین "اصلاحات" به نفع طبقه خود و وادار کردن دشمن طبقاتی و دولت به عقب نشینی تاکید میکنند.

طبقه کارگر ایران اکنون در شرایط بسیار ویژه تری به پای فصل مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد خود می رود. از یکسو شاهد عروج یک جنبش اعتراضی رادیکالتر کارگری، گسترش اعتراضات توده زحمتکشان و مزد بگیران در اقص نقاط کشور، اعتراض به اخراج و دستمزدهای معوقه در شهرها و مراکز مختلف، و به ویژه به همت مبارزات پیشرو کارگران هفت تپه و فولاد، که نه تنها کل جنبش را یک گام جلو برد، توانست توجه و حمایت بیش از پیش جامعه ایران و افکار عمومی جهانی را به حقانیت مبارزات طبقه کارگر ایران جلب نمایند، طوری که حتی پدید و قیحانه "اعتراف گیری" نیز به نفع طبقه کارگر و به زیان نظام فاسد اسلامی-سرمایه داران تمام گردید. برای مقابله با این روند، از سوی دیگر با یک مجموعه عکس العمل پیشگیرانه تعرضی امنیتی-اقتصادی و سرکوبگرانه سازمانیافته شده تر جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر روبرو هستیم. اما در مجموع جنبش ما و کل جامعه در موقعیت مساعد تری برای پیشروی بیشتر قرار دارد. در عین حال باید واقف بود که آن پیشروها و کسب موقعیت مساعد بدست آمده هنوز گامهای نخست جنبش ما برای ورود به یک نبرد سرنوشت ساز و نهائی کارگری-سوسیالیستی علیه کل بساط حاکمیت و سرمایه داری ایران میباشد. در صورت توجه جدی تر جنبش به رفع موانعها و کمبودهای موجود در این برهه پیشروی ما سریعتر و دستاوردهای بیشتر ممکن تر خواهد شد. اگر مبارزات طولانی مدت و پیرشور و پیشرو هفت تپه و فولاد با موجی از اعتصاب و اعتراض سراسری کارگری، نه صرفا طومار نویسی و اطلاعیه حمایتی صادر کردن، رو برویگرید اکنون با تناسب قوای بسیار مساعد تری رو میشدیم حتی شاهد سرکوب و جنایت علیه فعالین آن دو مرکز کارگری هم در این ابعاد نمیبودیم.

اکنون عرصه حداقل دستمزد فرصت دیگری برای کل طبقه است تا متحدانه و هوشیارانه گام مهمتری بردارد و سال آینده با درد و رنج اقتصادی کمتری راه پر پیچ و خم مبارزه انقلابی و سوسیالیستی خود را طی نماید. یک رکن مهم پیروزی در این مبارزه علاوه بر بسیج کل طبقه و خنثی کردن شگردهای رژیم در پوشش "شورایعالی کار"، پرهیز جدی کارگران از تحلیل ها و پیش بینیهایی سطحی و همواره غلط از آب در آمده و دعوت به ماجراجویی بخشهای از چپ بقایای سال ۵۷، و همزمان پرهیز از دیگر نیروهای دست راستی و حلقه بگوشان امریکا و دیگر دولتهای مرتجع میباشد. بخشی از آن چپی که با هر طرقة ای به رقص "انقلاب" کردن می افتد، اخیرا مدعی شد: "حکومت اسلامی تنها وزارت اطلاعاتش کار میکند بقیه ارگانهایش از کار افتاده اند!!"، راست هم به جای پنج بار روزانه ده بار نماز میخواند تا خداوندشان به دادشان برسد مثلا در کنفرانس ورشو و یا مناسبت دیگری راهی برای تبدیل مجدد مردم به رعیت، حال با پوشش تخت و تاج و یا لچک بنفش، یا ترکیبی از هر دو، برای خود پیدا کنند. طبقه ای که اینها را بخوبی نشاسد و راهش را در همه عرصه های مبارزه از آنها، هم از چپ پوپولیست و هم از راست ملی گرا و مذهبی جدا نکند، آینده ای بجز تداوم بردگی کنونی نخواهد داشت! جنبش حق طلبانه افزایش دستمزد و اصولا مبارزه اقتصادی طبقه کارگر آنها نیست و نباید اجازه داد با پروپاگاندا و تبدیل اولویتهای خود به اولویت جامعه همزمان با جمهوری اسلامی مانع تمرکز فعالیت و پیشروی جنبش کارگری در این عرصه مهم باشند.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



به دلیل تعطیلی بنگاه ها بیکار میشوند-۹ بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی ۱۰- پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که بعلل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند. ۱۱- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ داده باشد. ۱۲- پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند. ۱۳- آزادی فوری همه کارگران بازداشتی و محکوم کردن اقدام شنیع و فاشیستی "اعتراف گیری" زیر شکنجه .

در جامعه ای که سازندگان جامعه، کارگران، و انسانهای زحمتکش و شرافتمند، بجای احترام و امنیت و رفاه، همواره گرسنگی، فقر، بی حقوقی، بی مسکنی، سرکوب، زندان، توهین، نبود آزادی و حق تشکل و حزب، و کودکان کار و خیابانی و اعتیاد و... را تجربه میکند، آن جامعه یک جامعه بیمار، و آن نظام، یک نظام مستبد و فاشیست سرمایه داری است، که بجز زیرو رو کردنش هیچ راه دیگری وجود ندارد!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!
زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist@gmail.com

www.simroz.org

۶ بهمن ۱۳۹۷

۲۶ ژانویه ۲۰۱۹

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره ...

همچنانکه اشاره گردید، به دلیل فضای سیاسی کنونی کشور و اعتراضات گسترده جاری، برای تحمیل مطالبه افزایش دستمزد خود و همچنین تلاش برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران علیه دولت و سرمایه داران درجه بهتری برای رهبران عملی و سوسیالیست طبقه و کل کارگران بازتر شده است. از این جهت کلیه نهادها و تشکلهای کارگری، معلمان، بازنشستگان، کارکنان مراکز درمانی و خدماتی و از جمله طبقه کارگر در مراکز کلیدی و صنعتی کشور را دعوت میکنیم تا بطور متحد حول افزایش دستمزد به میزان حداقل ۶ برابر حداقل دستمزد کنونی، (۷-۶ میلیون تومان) همفکری نمایند و چون تن واحد علیه نظام فاسد و استثمارگر به میدان بیایند. پیشنهاد میکنیم در اوایل اسفند ماه متحدانه یک یا چند روز مشخصی را به عنوان روز، یا روزهای، اعتراض و اعتصاب سراسری اعلام نمایند. حکومتی که از راه دزدیدن دستمزد و استثمار و سرکوب کارگران و صف از ادیخواهان توانسته بطور سرسام آوری بودجه زیادی را برای سال ۹۸ دستگاهی سرکوب و خرافه مذهبی اختصاص دهد، نظامی که رئیس بانک مرکزی آن از "دها میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی" و مقام دولتی دیگر از "ناپدید شدن ۳ میلیارد و نیم دلار" دیگر در همین ماه خبر میدهند، نظامی که هر روز موشک هوا میکند و در چندین کشور هزینه های سرسام آور تروریستها را تامین میکند، حکومتی که تک تک سران و عوامش به "اختلاس های میلیاردی" و دزدان قانونی، و "برادران قاچاقچی" و نمونههای بی شمار دیگر که از زبان خودشان افشا میگرد، نباید بتواند به بهانه اینکه "تحریم اقتصادی هستیم"، پول نداریم، بودجه نداریم، و یا با چانه زدن حول سیستم تحقیر آمیز "پارانه" مردم فریبی کنند و جمعیت ۶۰-۷۰ میلیونی را به زندگی زیر خط فقر همچنان محکوم و راضی نگهدارند و ساکت کند، دستمزد کارگران را ندهد، و امسال از دادن کمترین حق یعنی حداقل دستمزد ۷-۶ میلیون تومان برای سال ۹۸ کارگران خودداری نمایند. طبقه ما، اگر به عنوان یک طبقه عمل کند، حتی بخشی موثری از آن متحدانه به میدان بیاید این دزدان و جانیان نمیتوانند بیش از این شرافتمندترین انسانهای آن جامعه را به این شکل گرسنه نگهدارند، سرکوب و زندان شان کنند و از این طریق راه بقا و ادامه حیاط کثیف و ظالمانه خود را تضمین کنند.

توجه طبقه کارگر و فعالین پیشرو و سوسیالیست را به محورهای ضروری و متحد کننده زیر حول مبارزه برای افزایش " حداقل دستمزد سال ۹۸"، جلب مینماییم:

۱- مبارزه برای افزایش دستمزد باید شامل همه کارگران اعم از "خارجی" و یا "بومی" باشد. ۲- مبارزه برای افزایش دستمزد جدا از مبارزه همزمان برای آزادی بدون قید و شرط تشکل و حزب کارگران و حق اعتراض و اعتصاب و انتخاب نمایندگان مستقیم کارگری در مراکز مختلف نیست! ۳- تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان کارگران است. ۴- خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شوراهای عالی کار نهادهای دولتی و ضد کارگری اند، و هر نوع تصمیم شوراهای عالی کار به عنوان یک نهاد دولتی برای طبقه کارگر ایران فاقد اعتبار است.

۵- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه-۶ ورود و دخالت نیروی نظامی و انتظامی به محل اعتراض و اعتصاب کارگران در محل کار بعنوان اقدام مجرمانه محسوب گردد. ۷- ممنوعیت اخراج، پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید. ۸- موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

اعلامیه حزب سوسیالیست انقلابی

زنده باد روز جهانی زن! زنده باد ۸ مارس ضد سرمایه داری!

زنده باد روز جهانی زن!
زنده باد ۸ مارس ضد سرمایه داری!
Long live anti-capitalist March 8!

۱۳۹۷ 2019



8 march

**برای برابری زن و مرد، و
رفع تبعیض بر حسب جنسیت
نه به حجب، فرهنگ و قوانین
ضد زن مذهبی و مردسالارانه،
نه به نظام سرمایه داری!
نه به جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!**

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
iran socialist 2017@gmail.com
www.iamrcz.org

۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی جهانی زن، روز اعتراض به تبعیض و نابرابری، روز اعتراض به سنن و قوانین مذهبی ضد زن، روز مبارزه با نظام حاکم مرد سالارانه، و روز مبارزه علیه نظام سرمایه داری به عنوان مسبب اصلی ستم و اعمال نابرابری و فرودستی زن در جهان امروز، مجدداً فرا رسید. برای ایجاد صف همبستگی جهانی روز زن به پرچم و پلاکارد ۸ مارس ضد سرمایه داری و ضد کلیه دولتهای حاکم و جنبشهای ملی گرا و مذهبی آنها نیاز مبرم داریم. و در همین راستا برای پایان دادن به این ستم دیرینه و شرم آورتاریخی، بیش از هر زمانی روی آوری بدون ابهام به سیاست انقلابی ضد سرمایه داری و مبارزه آزادیخواهانه و سوسیالیستی در جنبش آزادی زن، ضرورت پیدا کرده است. رهائی زن بدون تشدید مبارزه طبقاتی و پیروزی صف کارگر و سوسیالیسم بر نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری ممکن نیست!

بورژوازی به آزادی زن و واقعیت جدا ناپذیری این مبارزه از مبارزه طبقاتی، و شناخت این پدیده ساده که بقای چنین ستمی رکن مهمی از بقایای نظام حاکم طبقاتی حتی در پیشرفته ترین نظامهای سرمایه داری است، ما را دور نگاه میدارد. و بدین ترتیب مانند بقیه هیاهوهای "عامه پسند" فرمان قطار آزادی زن را در اختیار هر جنبش پوپولیستی، ملی گرایی، "اسلامی معتدل"، اصلاح گرایان" و غیره میدهد بجز صاحبان واقعی خود آن جنبش و مبارزین آگاه سوسیالیست ضد سرمایه داری و مبارزین راستین رهائی قطعی از این ستم و نابرابری.

هیچ پدیده ای در جهان امروز غیر طبقاتی نیست تا بتوان امر آزادی زن را غیر طبقاتی توضیح داد! چنین رویکردی به زیان قطعی جنبش رهائی زن تمام میگردد، همچنانکه تا بحال نیز چنین بوده است. کلیه مظاهر و سننهای مورد اشاره اگر چه عقب مانده و اسلامی و مرد سالارانه و ملی گرایانه و ارتجاعی اند، اما کلیه آن سنن و مظاهر و عقب ماندگی حاکم انعکاسی از سیاست و عملکرد دولتها، احزاب و جنبشهای هستند که خود بخش تفکیک ناپذیری از جهان امروز سرمایه داری اند، نه تعلقشان به دوران قرون وسطی پیشا سرمایه داری. با در نظر گرفتن این حقایق و با پای فشاری بر ضرورت مبارزه هر روزه در جهت عقب راندن ارتجاع ضد زن، اما باید کاملاً واقف بود که پایان دادن ستم بر زن در گروه عبور کامل از کلیه وجوه نظام طبقاتی حاکم و ارکانهای ایدئولوژیکی مذهبی و ملی و فرهنگی و اجتماعی آن است. بدون کنار زدن نظام سرمایه داری و بدون استقرار سوسیالیسم و یک نظام بدون طبقه نمیتوان اعمال ستم و نابرابری بر زن و هیچ شکلی از تبعیض و استثمار را ریشه کن نمود.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، در راستایی رسیدن به هدف خود، یعنی برابری زن و مرد و رفع تبعیض بر حسب جنسیت، و تحمیل رادیکالترین مطالبات پیشرو جنبش آزادیخواه زنان، همه زنان و مردان آزاده و مبارزین راه آزادی و برابری را به پیوستن به تلاش مشترک برای تحقق مطالبات آزادیخواهانه زیر فرا میخواند:

۱- برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، تحزب، تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب برای هر فرد و هر نهاد وتشکل

نفس ستمکشی و فرودستی زن محصول نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری نیست، اما سرمایه داری بنا به نیاز سیاسی، فرهنگی و به ویژه نیاز اقتصادی خود این میراث نفرت انگیز را تکامل بخشیده است و به تقسیم بندی جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی و سودآورنده، به این ستم دیرینه چنان رنگ "مدرن" و طبیعی بخشیده که نمیتوان به آسانی و بدون مبارزه سخت و قهرآمیز، بدون حضور گسترده زنان و مردان آزادیخواه علیه نظام طبقاتی این ستم نهادینه شده راه، چه در شکل وقیحانه "مدرن بورژوازی" و چه در شکل عریان و هولناک مذهبی، از سر راه برداشت و جامعه ی عاری از ستم و تبعیض و بدون وجود ستم و نابرابری بر حسب جنسیت متحقق گردد. از جمله تحت پرچمهای فریبکارانه بورژوازی ملیگرایانه ناسیونالیستی و شونیستی، ملیت و میهن پرستی، سکولاریستی، پادشاهی، جمهوری خواهی، فدرالی، دمکراسی طلبی، پارلمانتاریستی، اصلاح طلبانه، اسلام معتدل، حقوق بشر، فمینیستی و غیره هرگز نمیتوان به آزادی زن و برابری انسانها دست پیدا کرد، همچنانکه در طول تاریخ بشری در هیچ جایی دنیا از این مسیرها نه فقط به آزادی و برابری واقعی نائل نگردیده ایم که همواره با ستم مضاعف و تداوم نابرابری و ستم شرم آور بر زن در اشکال مختلف مواجه بوده ایم.

در ایران تحت حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، به عنوان ارکان ضد زن نظام بورژوازی حاکم، چهار دهه است شاهد یک سیسم تمام عیار آپارتاید جنسی هستیم. شاهد جنایت و سرکوب و وحشگری بیشمار در شکل تحمیل حجاب و پوشش اسلامی و قوانین به شدت ضد انسانی مانند سنگسار، تجاوز، نابرابری، جدا سازی، اسید پاشی و جاری کردن بی حقوقی کامل زن و گسترش فرهنگ لمپنی ضد زن و مرد سالارانه هستیم. در چنین جوامعی که بنا به حاکمیت دولت اسلامی، مذهب و مرد سالاری علیه زن افسار پاره کرده است، تردیدی نیست باید دوباره در صدد افسار زدنش برآمد، و باید علیه کلیه مظاهر مذهبی و ضد زن در حاکمیت و جامعه و خانواده بود. اما نباید فراموش کرد که پایان قوانین و مظاهر ارتجاعی مذهب، با تمام اهمیتی که دارد، هنوز مترادف با رهائی واقعی زن نیست و نخواهد بود. چنین تصویری که بر مبنای نگاه صرف "سکولاریستی" و "ضد اسلامی"، در برخورد به پدیده ستم بر زن بنا نهاده شده است، به نفس مبارزه آگاهانه و واقعی

← ادامه

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد روز جهانی زن!...

مدافع برابری زن و مرد. و ممنوع شدن هر شکلی از ایجاد محدودیت، فشار و تعقیب فعالین این عرصه.

۲- برابری کامل زن و مرد در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی. پایان دادن به امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان.

۳- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی، اشتغال، قوانین کار و بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی بدون هیچ نوع تبعیضی، مزد برابر درازای کار مشابه برای زنان و مردان، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- لغو کلیه قوانین عقب مانده فرهنگی، ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، لغو جنایت ازدواج اسلامی کودکان زیر ۱۸ سال، لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت، و در ازدواج و طلاق مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات، آموزش و پرورش، اجتماعات، معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع دخالتی در روابط شخصی، عاطفی و جنسی زنان از جانب دولت، مقامات، جامعه و خانواده.

۵- اعلام روز جهانی زن (۸ مارس/ ۱۷ اسفند) به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور و حق برخورداری از آزادی هر شکلی از تجمع، اعتراض، اعتصاب و جشن و گردهمایی به این مناسبت.

۶- آزادی فوری کلیه فعالین عرصه زنان و مدافعین برابری زن و مرد در زندان

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن تبریک روز ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان و مردان آزاده به کارگران، زنان و صف آزادیخواهان، همه زنان و مردان آزادیخواه و سوسیالیست، کارگران و جوانان پیشرو، و کلیه کسانی که خواهان پایان دادن به تبعیض علیه زنان، تداوم نابرابری بین زن و مرد، و ستم بر مبنای جنسیتی هستند به صفوف خود فرامیخواند.

زنده باد برابری زن و مرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

نابود باد نظام سرمایه داری!

زند باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۲۷ بهمن ۱۳۹۷-۱۶-۲-۲۰۱۹

به پیش برای آزادی زن و آزادی جامعه

ماریا یوسفزی

"زن نیست شوقی که دهان باز کنم از چه بخوانم
من که منفور جهان چه بخوانم چه نخوانم" (نادیا
انجمن)

ما زاده کشوری هستیم که مثل نادیا -فرخنده - رخشانه و صد ها دختر خانم های دیگر که شاید هیچ رسانه ای از ان اطلاع ندارند قربانی اهداف شوم خرافات دینی و مذهبی شده ایم. و متأسفانه مکرر باید بگوییم که ما زاده کشوری بنام افغانستان هستیم که فقر و تنگ دستی و جنگ و جنایت دست درازی دولتهای دیگر دور ماندن از پیشرفت های دنیا مدرن عصر امروزی هستیم. در این نوع جامعه عقب مانده زنان خرید و فروش میشوند، جنس به جنس تبادل میشوند، زن جنس دوم تلقی میشود، زن حق انتخاب ندارد، و تمام تصمیم های زندگی بدست مرد گرفته میشود.

در حال حاضر در افغانستان خشونت علیه زن به اوج خود رسیده. زنان از تهاذ محکوم به رسوم و عنعنات جامعه مرد سالار مذهبی هستند جنگ های خانمانسوز همه شهروندان بخصوصا زنان را ۱۰۰ سال به عقب بر گشتاند. امابه انهم زنان فعال و با درک ساکت و آرام نموده، به مبارزه ادعای حقوق خود تلاش میکنند. رهایی زن از خشونت رهای جامعه است. در این عصر نه تنها در کشور های آسیایی حقوق زنان عادلانه نیست بلکه در کشور های مختلف اروپایی و امریکایی هم حقوق زن و مرد مساوی نیست. به نحوی در تضاد است حتی قانون در برابر زنان و مردان متفاوت است. مثلا دست مزد مردان بالا تر از دست مزد زنان است. زنان در کشور های مختلف با ممنوعیت های مختلف روبرو هستند:

- زنان در یک شهر امریکا میتوانند به اجازه شوهر دندان مصنوعی بسازند.
- در ایالات فلوریدا امریکا زنان مجرد یا بیوه در روز های یکشنبه اجازه چتر بازی و سقوط آزاد ندارند.

- در شهرستان وایتسوال ایالت دلاور امریکا زنان نمیتوانند از مردان درخواست ازدواج کنند و در صورت مشاهده با گزارش کردن به پلیس به اتهام رفتار نا هنجار باز داشت می شوند.
- در شهر فرارا در شمال ایتالیا، زنان «زشت یا با ظاهر شرور» نمی توانند به کارخانه های پنیر سازی وارد شوند.

- زنان شهر آرکادیا در ایالات متحده پس از ساعت شش بعداز ظهر نمی توانند قهوه بنوشند.
- زنان شهر لاپاز بولیوی بدون اجازه همسرشان اجازه نوشیدن شراب ندارند.

- در شهر ممفیس ایالت تنسی امریکا رانندگی برای زنان ممنوع است مگر آنکه یک مرد در جلوی خودروی وی با یک پرچم قرمز به دیگران نسبت «رانندگی یک زن» اخطار دهد.
ایالت تنسی امریکا به داشتن قوانین عجیب رانندگی و رانندگی شهرت دارد.

- در روستای پانچیات در شهر هاپور هند زنان زیر ۴۰ سال اجازه حضور در بازار را ندارند. دختران این روستا اجازه داشتن گوشی تلفن همراه را نیز ندارند.

- در شهر توسان در ایالت آریزونا پوشیدن شلوار برای زنان بجز در موارد خاصی چون اسب سواری همچنان ممنوع است.

- در عربستان سعودی علاوه بر محدودیت های مختلف از جمله دریافت گذرنامه با اجازه همسر، محدودیت در انتخاب شغل و موارد بسیار دیگر، ورود زنان به قبرستان هنگام دفن اعضای خانواده و پس از آن نیز ممنوع است.

- زنان حق ورود به جزیره اوکینوشیما ژاپن را ندارند و تنها مردان می توانند بر این جزیره مقدس پا بگذارند.

- در مناطقی از نپال زنان به هنگام عادت ماهانه طرد می شوند و تا پایان عادت ماهانه در کلیه ای و جدا از همه سر می کنند.

- در چین زنان اجازه ندارند که در اتاق هتل خود برهنه بگردند و تنها می توانند در حمام برهنه باشند.

- در افغانستان زنان بدون محرم اجازه سفر ندارند

- در تصمیم گیری حق ندارند حق انتخاب ندارند

قسمی در شروع متن گفته شده که در کشور های عقب مانده و جنگ زده مثل افغانستان زن جنس دوم بحساب می رود.

خلاصه باید خاطر نشان کرد تا وقتی همه اقشار جامعه به حقوق حقه خود پی نبرند و از حقوق خود آگاهی نداشته باشند چه زن و چه مرد جامعه از تمدن و پیشرفت باز می ماند وقتی ما به حقوق و آزادی خود میرسیم که خود ما آگاه شویم وقتی خود ما آگاه شدیم جامعه آگاه میشود. از این رو بر ان است که برزمیم و بجنگیم حکومت های ضد زن را سرنگون کنیم که خود را از اسارت ازاد بسازیم.

به پیش برای آزادی زن و آزادی جامعه
روز زن مبارک باد

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



۱۶ کارگر بر اثر حوادث کاری آسیب دیدند

شامگاه سه شنبه هفتم اسفندماه، ۸ کارگر یک کارخانه روغن کشی زیتون رودبار دچار مسمومیت گازی شدند و توسط تیم فوریت های پزشکی به بیمارستان های سلامت رستم آباد و ولی عصر رودبار منتقل شدند.

مصدومیت ۸ کارگر در تهران بر اثر ریزش آوار

عصر روز چهارشنبه هشتم اسفند ماه، حادثه آوار در یک منزل قدیمی در تهران منجر به مصدومیت ۸ کارگر ساختمانی شد. بر اساس گزارشات رسانه ای شده، در یک منزل ۲ طبقه قدیمی به وسعت ۲۵۰ متر ۸ کارگر ساختمانی در حال عملیات گودبرداری بودند که به یکباره دیواره این ساختمان ریزش کرد و یک کارگر زیر آوار گرفتار و شدیداً مصدوم شد و ۷ کارگر دیگر در این حادثه دچار مصدومیت جزئی شدند.

مصدومیت ۴ کارگر در سایه فقدان ایمنی کار

روز سه شنبه ۷ اسفند ماه، به دلیل نبود امکانات ایمنی لازم در محیط کار، چهار کارگر در شهرهای میناب و تبریز دچار مصدومیت شدند. به دنبال برخورد یک دستگاه کامیون تریلی با ۳ نفر از کارگران شهرداری میناب که در کنار خیابان مشغول بکار بودند، هر سه به شدت دچار مصدومیت شدند. در حادثه دوم نیز یک کارگر ساختمانی در حین کار در طبقه سوم یک ساختمان نیمه کاره در خیابان ولیعصر تبریز، به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و به شدت مصدوم شد.

اعتصاب کارگران نیروگاه برق رامین اهواز

روز چهارشنبه ۸ اسفندماه، شماری از کارگران نیروگاه برق "رامین" اهواز در منطقه ویس، در اعتراض به معوقات مزیدی خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در حالی صورت گرفت که حدود ۴۰۰ تن از کارگران این نیروگاه به مدت ۴ ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند. گفتنی است که معترضان با تجمع در محوطه نیروگاه اعتصاب خود را آغاز کردند.

قتل کارگری در غرب تهران

در منطقه غرب تهران در یک محله به اسم دهکده المپیک یک کارگر به اسم علی مرادی، اهل روستای خامسان در منطقه سورسور کامیاران میباشد، شب در حین تحویل دادن اثاثیه خانه که دو نفر دیگر از رفقاییش همراه علی هاشم بوده اند با صاحب خانه بر سر دست مزد جروبحت میکنند، بعد از چند دقیقه صاحب اثاثیه از پشت با قمه حمله میکند و متأسفانه علی مرادی کشته میشود.

اخبار و گزارشات این هفته را با اعتصاب و تجمع کارگران راه آهن تبریز آغاز میکنیم:

روز سه شنبه ۷ اسفند ماه، کارگران راه آهن تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مزایای حقوقی خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. گفتنی است که کارگران اعتصابی با وجود نیروهای سرکوبگر حاضر در مکان تجمع، جلوی قطار ریل باس را گرفتند و نگذاشتند قطار وارد ایستگاه تبریز شود. همچنین کارگران راه آهن خراسان، همبستگی خود را با اعتراضات کارگران راه آهن تبریز اعلام داشتند.

تجمع کارگران نگهداری از خطوط راه آهن کرج

روز چهارشنبه، ۸ اسفند ماه، گروهی از کارگران نگهداری از خطوط راه آهن کرج که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری مشغول کارند، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزیدی و بیمه ای خود، تجمع کردند. این کارگران که در خطوط ریلی راه راننده وسیله نقلیه ریلی تردد ماموران راه آهن، جوشکار و غیره مشغول کارند، اجتماع صنفی خود را مقابل حوزه ۱۷ راه آهن کرج برپا کردند.

کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز کرمان

دور جدید اعتراضات کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز کرمان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی روزشنبه چهارم اسفندماه، با تجمع مقابل استانداری آغاز و با اجتماعات روزانه مقابل استانداری و دفتر امام جمعه جویبار، ادامه پیدا کرد.

تجمع کشاورزان در نقده

روز چهارشنبه ۸ اسفندماه، کشاورزان نقده در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزیدی در مقابل کارخانه قند نقده تجمع کردند تا پیگیر پرداخت مطالبات معوقشان بشوند. به گفته رییس هیات مدیره نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان غربی، در خصوص تجمع کشاورزان، عده ای ۵۰ درصد و عده ای حدود ۳۵ درصد بابت محصول چغندر قندی که امسال از ۱۵ شهریور به این سو به کارخانه تحویل داده اند، طلب دارند.

اعتراض به تداوم بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

چهارشنبه ۸ اسفندماه، در پی ادامه بازداشت اسماعیل بخشی خانواده و جمعی از دوستان این فعال کارگری برای چندمین روز متوالی مقابل دادگستری شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند. مقامات امنیتی رژیم در پی اقدامات متعدد برای تحت فشار قرار دادن اسماعیل بخشی به نوشتن تکذیبیه و عدم موفقیت در این کار، در دور جدید فشارها به اسماعیل بخشی و خانواده اش گفته اند که وکیلش، فرزانه زیلابی را برکنار نمایند. این درحالی است که به گفته شماری از فعالان کارگری نیشکر هفت، اداره اطلاعات رژیم در اهواز برای شکنجه به قصد اعتراف اجباری، سپیده قلیان و اسماعیل بخشی را به بازداشتگاه مخفی منتقل کرده است.

اعتراض باز نشستگان در همبستگی با دیگر اقشار

در روزهای گذشته تجمعات اعتراضی بسیاری از جانب باز نشستگان شرکتها و ادارات مختلف در تعدادی از شهرهای ایران برپا شده است. در این تجمعات باز نشستگان نه تنها از خواستها و مطالبات خود بلکه از خواستهای سیاسی و اقتصادی کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار جامعه نیز حمایت و پشتیبانی کرده اند.

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هموعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی پی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و مزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتواند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریوی سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو یا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنرا دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاختاری هستند که شایدان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنرا بخورد طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

ما بیکار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم آترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۲ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸

www.simroz.org | zizji@yahoo.se

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zizji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



بگذار مرتجعین بر خود بلرزند
آنچه که می بینیم این رشد و تعالی
مبارزه ما و ایجاد عملی یک حزب
سیاسی نوین کارگری،
سوسیالیستی و سرنگونی طلب
بدست مستقیم و مشارکت خود
کادرهای کمونیست، کارگران و
زنان فعال و نسل جوان رزمنده و
پر شور است که به واقعیت
پیوست. (سلاح زیجی)

اخراج و بیکارسازی موقوف!